

## کتاب انجیل، بخش اول

انجیل پر فروشنده‌ترین کتاب جهان است که مملو از نامه‌های عاشقانه، رویاهای پیش‌بینی‌ها و روایت‌های بی‌نظیری درباره جنگ و عشق است. ما چه استفاده‌ای از انجیل می‌توانیم ببریم؟ چرا انجیل شامل عهدتیق و عهد جدید است؟ چرا و چه موقع نوشته شد؟ چطور مطالب آنرا می‌توان پیدا کرد؟ چه کسی آن را نوشته و آیا همه مطالب آن راست و حقیقت است؟

### انجیل

یک کتاب، شامل چندین کتاب

کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب است که به دو قسمت عده تقسیم شده - کتاب عهد عتیق (ع ع) و کتاب عهد (ع ج) جدید. اول انجیل با کتاب عهد عتیق آغاز می‌شود که شامل ۳۹ کتاب می‌باشد. بعد از آن کتاب عهد جدید که شامل ۲۷ کتاب است.

### قانون و ترجمه‌های انجیل

ما مجموع این ۶۶ کتاب را که همان انجیل نام دارد، قانون مینامیم. در واقع قانون به معنای خط و معیار است. در کلیساها اولیه تمام نوشتها بصورت همین قانون بود که بعدها به نام انجیل عهد عتیق نامیده شد.

انجیل عهد عتیق در واقع قبل از مسیحیت نوشته شده، که کتاب یهودیها، تورات نامیده می‌شود. کم کم از گزارش نویسی حواریون، و نامهای آنها نیز در مراسم شکر گذاری کلیسا استفاده شد.

مجموعه همه این کتابها و نوشتها انجیل عهد جدید را تشکیل می‌دهد. این ۶۶ کتاب یا مجموعه، انتخاب شده که الگو و سر مشق خوانده می‌شوند، همان کتاب مقدس است. الگو و سرمشق همان هدایت به راه راست می‌باشد. در زمانهای قدیم کایساها کتاب عهد عتیق را "کتاب آسمانی تورات" می‌نامیدند. کتاب عهد عتیق همان کتاب مقدس یهودیان است.

به تدریج رهنمایی‌های انجیل و نامه‌های حواریون در رابطه با مراسم نیایش در کلیساها، مجموعه‌ای مختلف را شکل داد که عهد جدید خوانده می‌شود. با گذشت زمان و حضور مسیحیان در کلیساها باعث شد که نیاز به داشتن یک تشکیلات مشترک احساس و پایه ریزی شود. در سال ۳۰۰ میلادی حجم و محتوای کتاب عهد جدید انتخاب و تشکیل شد. اسقف‌ها و متخصص‌های مذهبی با کمک بحث و گفتگو در مورد تشخیص اینکه کدامیک از متن‌هایی که در کلیساها مورد استفاده قرار گرفته، برای نوشتن در کتاب مقدس انتخاب شود. در واقع ارزش یابی بعضی از متن‌ها مورد شک و تردید است که در خاتمه در کتاب مقدس آمده است. مثلاً در دومین نامه پطرس. دومین و سومین نامه یوحنا، نامه عبرانیان، نامه یعقوب، و نامه یهودا.

بطور کلی متن‌ها را می‌توان از دیدگاه‌های زیر ارزیابی کرد :

(۱) وسعت کار بردن متن مورد نظر در مراسم‌های مذهبی و شگرگذاری.

(۲) وابستگی مستقیم و یا غیر مستقیم متنها به یکی از حواریون.

(۳) آیا متن مورد نظر با اظهار عقاید حواریون مطابقت دارد (از جمله اقرارات مسیحیان).

کتاب عهد عتیق در اصل به عبری و عهد جدید به یونانی نوشته شده است. فقط در ۵۰۰ سال اخیر است که مردم عادی قادر شدند کتاب مقدس را بخوانند- دقیقاً ترجمه کتاب مقدس ابتدا در سال ۱۵۳۴ توسط لوتر به زبان آلمانی و سپس به زبان دانمارکی انجام شد. لوتر نسخه کتاب عهد عتیق را که به زبان عبری بود انتخاب و ترجمه کرد، بجای چاپ یونانی ( به نام septuaginta ) که از قبل جهت ترجمه استفاده شده بود. کتاب عهد عتیق قبل به یونانی ترجمه شده بود ( ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) حتی بعضی از قدیمیترین انجیل‌های عهد عتیق که حفظ شده، به یونانی نوشته شده است.

قابل توجه است که بدانیم کتاب مقدسی را امروز می خوانیم، چاپ از زبان اصلی نیست. برای مثال. عیسی به زبان ارامی صحبت می کرد، اما کتاب عهد جدید اصلی به زبان یونانی نوشته شده است، که همچنین دوباره به زبان دانمارکی ترجمه شده. وقتی یک متن از یک زبان دیگری برگردانده می شود معمولاً تعبیر و تفسیر اجتناب ناپذیر است، هر چند سعی و کوشش در انتقال دقیق به حد امکان بکار برده می شود، اما همیشه این شک وجود دارد که آیا منظور کلام به طور کامل رسانده شده است.

مثال هایی در باره مشکلات ترجمه:

لوقا باب ۲۰ ، ۲۱ تا ۲۱ شکوه و جلال خداوند را نمی توان دید و نمی توان بیان کرد که آیا او اینجا است یا آنجا زیرا شکوه و جلال خداوند مابین شما است ( ترجمه دانمارکی) این اصطلاح را که " مابین شما است " از ترجمه یونانی آنتون هومان می باشد، که می توان همچنین " در وجود شماست " ترجمه کرد.

یوحنای باب ۱ ، ۱ تا ۲ در شروع کلمه بود ، و آن کلمه نزد خدا بود ، و آن کلمه خود خدا بود. در آغاز او نزد خدا بود. این اصطلاح را که " او بود " از ترجمه یونانی آتوس راهمچنین می توان " آن بود " نیز ترجمه کرد.

## کتاب عهد عتیق

### مقدمه

کتاب عهد عتیق کتاب مقدس یهودیان است - که همچنین کتاب حضرت عیسی بود ( عیسی یهودی بود ) یهودیان کتاب مقدس شان را به سه قسم تقسیم کرده‌اند : قانون ( تورات )، پیغمبران و نوشتھای دینی .

اسم " کتاب عهد عتیق " در حقیقت به معنی " عهد و پیمان بستن " است. پیمان یعنی متعهد بودن. وقتی سخن در باره " عهد و پیمان قدمی " است، الزاماً یک عهد و پیمان جدید بایستی باشد. به عبارتی دیگر، وقتی صحبت درباره کتاب عهد عتیق است پس سخن گفتن راجب به کتاب عهد جدید اجتناب ناپذیر است. در مسحیت کتاب عهد عتیق را از دیدگاه کتاب عهد جدید می خوانیم. در کتاب عهد عتیق خداوند پیمانهایی با اسرائیلی ها بسته است. پیمان بستن خداوند با اسرائیلی ها به این معنی است که ، او ( خداوند ) یک توافق یک طرفه ای را با آن قوم منعقد کرده که شامل این است که خداوند و اسرائیلی ها در یک رابطه ویژه قرار دارند: اسرائیلی ها مردمی از جانب خداوند هستند و خداوند طرفدار آنهاست.

### تورات ( قانون )

قسمت قانون در کتاب تورات شامل پنج کتاب است که در مورد خلقت نوشته شده، لیکن نام قانون می تواند گمراه کننده باشد. زیرا متن هایی که به اسم قانون نوشته شده، ربط خاصی به قانون ندارد، بلکه راجب به خلقت، آدم و حوا، قابیل و هابیل ،

نوح ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و موسی است.

### آفرینش

۱۱ فصل اول از انجیل آفرینش نامیده میشود، در این فصل ها توضیح می دهد که چگونه زمین آفریده شده، و درباره رایطی که ما انسانها تحت تاثیر آن زندگی میکنیم مانند ( گناه، مرگ، وظیفه، ترس از خدا، تولد، درد، کار کردن و غیره ) . محورهای اصلی بصورت داستان:

- داستان آدم و حوا، که از میوه ممنوعه خوردند و از باغ عدن بیرون انداخته شدند، که نتیجه اش این شد که ما بایستی در شرایط انسان فانی بودن زندگی کنیم ( پیدایش اول باب ۳، ۱۰ تا ۲۴ )
- داستان قabil که برادرش را به دلیل حسادت به قتل رساند و مورد مجازات خداوند قرار گرفت، بدون آنکه از جامعه طرد شود ( اولین پیدایش باب ۴، ۱ تا ۱۶ )
- داستان طوفان نوح که بعنوان یک نماد، سمبول ریشه کن کردن فساد و گناه از روی زمین است. حضرت نوح که مورد شفقت خدا قرار گرفت و برکت یافت. خداوند رنگین کمان را بروی زمین قرار داد، همچون سمبولی که نشان دهنده آن باشد که خدا هرگز زمین را نفرین نخواهد کرد. ( اول پیدایش باب ۶، ۸ تا ۲۲ )
- داستان درباره انسان که از روی غرور و خود بزرگ بینی قصد ساختن برج هایی را دارد که بهواسمان میرسد، و خداوند، که به هر ملتی که زبان داده تا از درک یکدیگر عاجز باشند ( اول پیدایش باب ۱۱، ۹ تا ۱ )
- داستان های آفرینش شامل تجربه های عادی انسان ها است. ما امروز هم دچار وسوسه و فریب میشویم، ما امروز هم کارهای سخت انجام می دهیم. ما هنوز هم با درد زایمان بچه بدنیا می آوریم. ما می توانیم حسادت کشنه نسبت به یکدیگر داشته باشیم. ما گاهی فکر میکنیم که به اندازه خدا توانایی داریم. ما هنوز هم در درک یکدیگر عاجزیم و به زبان های مختلف صحبت میکنیم. داستان های آفرینش در مورد محدودیتهایی که انسان دارد است و خدا بودن ، خدا.

### قسمت قوانین

از جمله از ده فرمان تشکیل شده ( پیدایش دوم، باب ۲۰، ۱ تا ۱۷ و پیدایش پنجم، باب ۵، ۶ تا ۲۱ ) همچنین قانون های دیگر که تمام پیدایش سوم را تشکیل میدهد، مجموعه ای از قانون های مختلف، از جمله در مورد پاکیزگی.

### داستانهای قومی

در کتاب اول پیدایش از باب، ۱۲ تا ۵۰ را تشکیل میدهد. داستان های اقوام نقل می کند که چگونه خداوند یهودیان را به عنوان بندگان خاص خود بر گزید، تا آنانرا تقویت کند، جلال دهد، و تحت محافظت خود نگهدارد. "اقوام" در اینجا یعنی همبستگی اجداد یهودیان.

### اصل داستان:

- خداوند به حضرت ابراهیم وعده داد، که او را پدر امت بزرگی می گرداند و نامش را بزرگ می سازد و اورا برکت می دهد، و ابراهیم با همسر خود سارا به سوی کنعان حرکت کردند. آنها به موانع خیلی زیادی مواجه شدند- برای ابراهیم خیلی آسان نبود، اما خداوند پیمانش را با حضرت ابراهیم به فرجام رساند، و به او وعده داد که صاحب قوم بزرگی، به زیادی تعداد ستارگان خواهد شد. گرچه می بایستی چندین سال برده و خادم باشند، ولی سر

- انجام صاحب سر زمین خود می شوند. حضرت ابراهیم به خدا ایمان داشت. (فصل ۱۲ تا ۱۵) ● سارا سالهای بسیاری بچه دار نمی شد اما هاجر که کنیز او بود پسری زایید، که اسماعیل نامیده شد. چندین سال بعد دو فرشته به ابراهیم و سارا، و به آنها مژده دادند، که سارا سال بعد پسری بدنیا خواهد آورد. اتفاق بسیار عجیبی بود زیرا سارا سالها یائسه شده بود، اما ابراهیم به خدا ایمان داشت. (باب ۱۶ تا ۱۷). ● سارا پسری زایید، که اسحاق نامیده شد. اسحاق بزرگ می شد، و ابراهیم عاشق او بود. روزی خداوند تصمیم گرفت که ابراهیم را امتحان کند. خداوند از ابراهیم می خواهد که اسحاق را به بالای کوهی بیاور و برای خدا قربانی کند. ابراهیم همراه اسحاق برآمد و اسحاق را با هیزم بست. ابراهیم دستها را بیرون آورد که پرسش را قربانی کند، اما در همین لحظه خدا به ابراهیم ندا داد : " کاری به پسر نداشته باش، اکنون می دانم که تو از خدا بیم داری ". و ابراهیم بجای اسحاق یک بز کوهی را قربانی کرد. (باب ۲۱ تا ۲۲) ● خدا برای اسحاق همسری برمیگزیند، بنام ربکا، آنها صاحب فرزندان دو قلو به نامهای عیسوی و یعقوب شدند. عیسوی شکارچی بود و همانند گاو نر قوی. اما یعقوب یک آدم خوب و درستکار بود. عیسوی بزرگتر بود و همچنین او بود میباشد وارث اموال پدرش شود، اما یعقوب حق بزرگتر بودن را با یک وعده غذا از برادرش عیسو خرید. وقتی اسحاق پیر و کور شده بود و می خواست ارث خود را به بزرگترین پسرش عیسو هدیه کند، یعقوب با کمک ربکا در وصیت کلک زندن. عیسو بسیار عصبانی شد، و یعقوب مجبور به فرارشد و به دایی خود لا بان پناه برد. (باب ۲۴ تا ۲۸) ● یعقوب شبها در این رویا بود، که چون ابراهیم و اسحاق مورد وعده خداوند قرار میگیرد. یعقوب برای دایی خود لابان هفت سال کار کرد، و در تلافی از او قول گرفت که جوانترین دختر زیبای او به نام راحیل را به همسری بگیرد. اما لابان یعقوب را فریب داد و بزرگترین دخترش لیه را به او داد، و یعقوب می باشد هنوز هفت سال کار کند که راحیل را بگیرد. راحیل همان دختری بود که یعقوب عاشقش بود. لیه بچههای بسیار زایید، اما راحیل تا چندین سال هیچ بچهای بدنیا نیاورد. در مجموع یعقوب ۱۲ پسر داشت و همچنین چندین دختر! فقط دو تا جوانترین بنام یوسف و بنجامین متعلق به راحیل بودند، که به یعقوب خیلی نزدیک و علاغمد شده بودند. بعد از درد و رنج بسیار یعقوب همراه با تمام فamil برای دیدار از برادرش عیسو سفر کرد. (باب ۳۲ تا ۳۳) ● راحیل بعد از تولد بنجامین فوت کرد. پس از پیوستن یعقوب به اسحاق ، اسحاق نیز از دنیا رفت. یعقوب و تمام فamil در کعنان ماندگار شدند. یعقوب یوسف را بیش از سایر پسرانش دوست می داشت. (۳۴ تا ۳۶) ● یوسف خواب هایی می بیند خوشهای گندم در حال احترام، خورشید، ماه و ۱۱ ستاره در حال تعظیم به او هستند و یعقوب این چنین تعبیر کرد که برادرانش در برابر او تعظیم خواهند کرد. یوسف تعبیر خواب را برای برادرانش تعریف کرد و آنها به او حسد ورزیدند. روزی یوسف به همراه برادرانش به صحراء فرستاده می شود. آنها از دور یوسف را می بینند و متفق می شوند که اورا به قتل برسانند، اما بزرگترین برادر، رئوبین آنها را متقدعاً کرد که این کار صحیحی نیست، و آنها بجای

کشتن پیراهن اورا پاره و اورا در چاهی می اندازند. در این هنگام چندین مصری از آن محل می گشتند، و آنها یوسف را به بیست سکه نقره می فروشد. سپس برادران پیراهن پاره شده یوسف را به خون آغشته و به یعقوب تحویل می دهند، یعقوب باور می کند، که یوسف توسط حیوانی وحشی دربیده و خورده شده است. یعقوب از غم مردن یوسف دل شکسته و ماتم زده می شود. اما یوسف سر ازخانه جاشین فرعون مصر، فوطیفاردر میاورد ( باب ۳۷ )

• همسر فوطیفار به یوسف نظر دارد، اما یوسف دست رَد به او میزند. اما این زن جهت انتقام گرفتن، یوسف را متهم می کند که قصد دست درازی و تجاوز به اورا داشته. یوسف گناهکار شناخته می شود و به زندان اندخته می شود. در زندان یوسف به عنوان تعبیر کننده خواب شناخته شده، و بعد از چندین سال، او تعبیر کننده خواب های فرعون می شود. این خواست خداوند است، که به یوسف استعداد تعبیر خوابهای فرعون را می دهد، و یوسف هم شکر گذار خداوند است. یوسف خوابی را برای فرعون تعبیر میکند و میگوید: هفت سال فراوانی خواهد شد، و به دنبال آن، هفت سال قحطی و خوشک سالی میشود. وقتی که قحتی شروع شد، یوسف به عنوان رئیس و مسئول ذخیره و رساندن گندم در هفت سال قحطی در مصر منصوب شد. در این هفت سال، مردم از تمام جهان برای خریدن گندم به مصر و نزد یوسف می آمدند. ( باب ۴۱ تا ۴۲ )

• برادران بزرگ یوسف نیز برای خریدن گندم به مصر می آیند و یوسف آنها را می شناسند، ولی آنها یوسف را نمیشناسند. او برادرانش را متهم به جاسوسی می کند و تقاضای دیدن جوانترین برادر بنجامین را می کند، و اگر سر پیچی کنند، آنها را به زندان خواهد انداخت. برادران این واقعه را همچون مجازاتی تعبیر کردند که به سر یوسف آورده بودند. یکی از برادران توفیق و نگه داشته شد، در حالی که بقیه همراه با بار گندم به کنعان رفتند. این شرط رهایی و آوردن بنجامین بود.

وقتی برادران برای دومین بار به یوسف مراجعه کردند، یوسف آنها را به شام دعوت کرد، و آنها در مقابل یوسف تعظیم کرده و به پای او افتادند ( درست مانند خوابی که یوسف در نوجوانی دیده بود ).

• یعقوب به همراه فامیل به مصر کوچ می کند و در آن جا اقامت می گزیند. قبل از اینکه یعقوب بمیرد او یوسف و برادرانش را برکت می دهد. یوسف و برادرانش به همراه خانواده هایشان در مصر زندگی می کنند. یوسف در مصر از دنیا می کرد و در همان جا به خاک سپرده می شود. سلسله ابراهیم، اسحاق و یعقوب در مصر زندگی کردند و پر نعمت شدند. ( باب ۵۰ تا ۴۶ )

### مهاجرت از مصر

جمعیت اسرائیلی ها روز به روز افزوده میشد، و این برای مصری ها یک نوع تهدید بحساب می آمد. بعد از مرگ یوسف، فرعون دیگری بر مسند حکومت نشست که یوسف را نمی شناخت، و خطر از دید جمعت اسرائیل را احساس میکرد. اسرائیلی ها مانند برده ها زندگی میکردند، تا اینکه موسی بدنیا آمد و بعد ها آن ها را از برده و غلامی آزاد کرد. مهاجرت از مصر یک قسمت مهم از شناخت یهودیان نسبت به خودشان است. در این جا گفته می شود چگونه خداوند ( توسط موسی ) اسرائیلی ها را در مصر از برده و رهانید. و سر انجام آنها را به سر زمین موعود هدایت کرد.

( خروج، ۱ تا ۱۵ ) . عید پاک، جشن آزادی و رهایی یهودیان است.

اصل داستان:

موسی در حال چوپانی از گوسفندان است که ناگهان یک بوته آتشین را می بینید. بوته در حالت شعله ور شدن است بدون آنکه سوخته شود. موسی از دیدن این منظره عجیب شگفت زده و به بوته نزدیک شد. خداوند به موسی با صدای بلند گفت: " نزدیکتر نشو! آن جایی که ایستاده ای، زمینی مقدس است، کفش هایت را بیرون بیاور ". و خدا خود را به موسی نشان داد و گفت " من خدای پدران توام، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب ". و تا آن موقع موسی صورت خود را پنهان کرده بود. خداوند به موسی گفت، که او رنج مردمانش را دیده، و به زمین آمده برای نجات آنها از دست مصریان، همچنین برای هدایت آنها به سوی سر زمینی که، مملو از شیر و عسل است. خداوند همچنین گفت: " موسی، این تو هستی، که باید مردمانت را از مصر به بیرون هدایت کنی ".

موسی سعی کرد که اجتناب کند، اما خداوند به او گفت: " من با تو خواهم بود ". موسی از خدا پرسید ، بگویم چه کسی مرا فرستاده؟ - خداوند جواب داد: " من هستم، من او هستم. تو به اسرائیلی ها بگو: من هستم که او مرا فرستاده برای شما ".

( خروج باب ۳ )